



## روش سقراطی مقدمه‌ای بر روش‌های نوین تدریس

سید علی سیدیان رکنی

دانشگاه فرهنگیان، بابل ali.seyedian.66@gmail.com

### چکیده

مقاله حاضر، از نوع مقالات علمی - ترویجی است. در این مقاله ابتدا به تشریح و نقد و بررسی روش تدریس سقراطی پرداخته شده است. روش سقراطی مبتنی بر پرسش و پاسخ‌های عمیق و هدفمند میان معلم و شاگرد است. در این روش معلم نقش هدایتگر را دارد و تلاش می‌کند با مطرح کردن سؤالات و مسئله‌های کارآمد، دانش‌آموزان به اشکالات آموخته‌های پیشین خود پی ببرند و مطالب صحیح و درست را جایگزین آنان کنند. پس از بیان نقاط قوت و ضعف این روش و مقایسه آن با فنون تدریس جدید، می‌توان آن را ریشه و بستر شیوه‌های نوین دانست. امروزه با ادغام این روش کهن با علم روانشناسی و علوم تربیتی، شیوه تدریس نوین پرسش و پاسخ پدید آمده است که معلمان در فرایند آموزش از آن بهره می‌برند. در پایان مقاله، با اذعان به کامل نبودن هیچ یک از روش‌ها، نقش معلم را در انتخاب و تلفیق بهترین شیوه‌های تدریس تأثیرگذار و تعیین کننده می‌دانیم.

### واژه‌های کلیدی

تعلیم و تربیت، آموزش، تدریس، روش تدریس سقراطی، روش تدریس پرسش و پاسخ



## ۱. تعلیم و تربیت

آدمی در در شمار موجوداتی است که کمالشان در فطرت از وجود، متأخر افتاده است؛ به همین جهت آدمیزاد در دوره رشد خود یعنی در فاصله زمانی بین وجود تا کمالش به کمک دیگران نیازمند است. از آنجا که رشد باید به تدریج از وابستگی موجود بکاهد تا سرانجام او را در مرحله نهایی به استقلال نسبی برساند، نوع نیازهای کودک و نحوه حمایت از حیات و مراقبت از رشد در مراحل مختلف آن ضرورتاً فرق می‌کند. هدف مراقبت‌ها در آغاز فقط حفظ وجود موجود است و صورت پرستاری دارد؛ سپس به کار تأدیب، یعنی جلوگیری از انحرافات می‌آید و سرانجام متوجه تکمیل وجود موجود از جهت کسب مهارت و معلومات و آراسته شدن به فضایل و کمالات می‌شود.

انسان، برخلاف حیوان، رفتار غریزی ندارد و واکنش‌هایش حتی در موقعیت‌های مشابه یکنواخت و قالبی نیست و آثار اختیار و انتخاب در آن به خوبی مشهود است. این امر سبب شده است که بشر آزادی عمل داشته باشد و هر وقت لازم شد، در طرز عمل تجدید نظر کند و در نتیجه، روز به روز بر قدرت سازگاری با شرایط متغیر محیط مادی و اجتماعی افزوده شود. از طرف دیگر، تجارب آدمی خاصیت تراکمی دارد و نتایج حاصل از تجربیات نسل‌های متوالی بر هم افزوده می‌شود تا به تدریج، به صورت سرمایه‌های تمدنی عظیم و ذی‌قیمت در آید. کودک نیز به محض این که اندام‌هایش را کشف کرد و در کار فرمودن آنها به درجه مهارت رسید، با دخالت در محیط محدود خود ابتدا تجربه دست اول کسب می‌کند. در همان حال نیز راه حل بسیاری از مسائل را با تقلید از دیگران یاد می‌گیرد، با این وجود نمی‌توان انتظار داشت که بتواند با تجربه شخصی یا با تقلید از بزرگسالان به همه آن چه بشر در گذشته به آن رسیده است پی‌برد. تلاش فرد در این راه با همه ارزشی که دارد، با دو اشکال کلی مواجه است: یکی این که حل هر مسئله و یافتن پاسخ هر پرسش، نخستین بار وقت زیاد می‌گیرد؛ به طوری که عمر هیچ فردی برای تکرار تجارب و ارزیابی مجدد یافته‌هایش کفایت نمی‌کند. دیگر اینکه، در هر مورد، چنان که اگر قرار باشد هر نسل همه یافته‌های گذشتگان را ندیده بگیرد و تجارب آنان را تکرار نماید و حتی راه‌های خطایی را که رفتند از نو بیاماید، نه تنها پیشرفتی قابل تصور نیست بلکه لاف اولین نسلی که دست به چنین آزمایشی بزند، نسبت به نسل قبل، ناچار سیر قهقراپی خواهد کرد. پس باید یادگیری نسل جدید با کمک فرایند انتقال یافته‌ها تسهیل شود؛ از اینجاست که تعلیم، تربیت و آموزش ضرورت پیدا می‌کند.

تعلیم و تربیت عبارت است از تسهیل رشد هر چه کامل‌تر استعدادهای هر شخص، هم به عنوان فرد و هم به عنوان عضو جامعه‌ای که با تعاون اداره می‌شود.

در بیان اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که تحقق گوهر آدمی منوط به آن است؛ مراقبت‌هایی که تحت عنوان تعلیم و تربیت به آدمیزاد ارزانی داشته می‌شود، شرط لازم نیل آدمی به مرحله کمال انسانی است. (شکوهی، ۱۳۹۸: ۴۶-۲۹) [1]

### ۱.۱. آموزش و تدریس

معمولاً فعالیت‌هایی را که معلم به قصد آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان به تنهایی یا به کمک مواد آموزشی انجام می‌دهد آموزش می‌نامند. یادگیری فعالیتی است که از سوی یادگیرنده انجام می‌گیرد و خود او در شکل‌گیری آن دخالت مستقیم دارد و نقش معلم صرفاً فراهم آوردن شرایط و امکاناتی است که یادگیری را آسان می‌سازد. بنا به گفته استرانگ (۲۰۰۶) بهترین ملاک اثربخشی معلمی هدایت یادگیری دانش‌آموزان است. در واقع معلم، از راه آموزش، در تجارب یادگیری دانش‌آموزان دخل و تصرف می‌کند تا بر یادگیری آنان تأثیر بگذارد.



تدریس (درس دادن) عمدتاً به فعالیت‌های کلاسی معلم در حضور دانش‌آموزان و دانشجویان و غالباً به صورت کلامی انجام می‌گیرد گفته می‌شود. (سیف، ۱۳۹۸: ۳۵ و ۳۶) [2] تدریس بخشی از آموزش است و همچون آموزش یک سلسله فعالیت‌های منظم، هدفمدار و از پیش طراحی شده را در بر می‌گیرد و هدف از آن، ایجاد شرایط مطلوب یادگیری از سوی معلم است. به آن قسمت از فعالیت‌های آموزشی که به وسیله رسانه‌ها و بدون حضور و تعامل معلم با دانش‌آموزان صورت می‌گیرد به هیچ وجه تدریس گفته نمی‌شود؛ بنابراین آموزش معنایی عام‌تر از تدریس دارد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت هر تدریسی آموزش است، ولی هر آموزشی تدریس نیست. چهار ویژگی خاص در تعریف تدریس وجود دارد که عبارتند از: (۱) وجود تعامل بین معلم و دانش‌آموزان، (۲) فعالیت بر اساس اهداف معین و از پیش تعیین شده، (۳) طراحی منظم با توجه به موقعیت و امکانات، (۴) ایجاد فرصت و تسهیل یادگیری. (شعبانی، ۱۳۹۵: ۶۱) [3]

## ۲.۱. روش تدریس

به عقیده شعاری‌نژاد روش تدریس مجموعه فعالیت‌ها و مراحل تجربی است که برای نیل به هدفی معین انجام می‌شود؛ و بهترین روش، روشی است که با صرف کمترین مدت و با توجه به امکانات موجود، بیشترین بهره را عاید گرداند. به دلیل اهمیتی که انتخاب روش تدریس مناسب بر فرایند یاددهی-یادگیری دارد، برای انتخاب بهترین شیوه آموزش باید اصولی را رعایت کنیم؛ برخی از این اصول عبارتند از: الف) تناسب باهدف: روش‌های تدریس باید با اهداف یادگیری متناسب و هماهنگ باشند؛ این هماهنگی باید با توجه به جنبه‌های مختلف هدف به وجود آید. از آنجا که اهداف، ابعاد شناختی، نگرشی و مهارتی را در بر می‌گیرند، آشکار شدن هریک از این سه جنبه در تدریس به روش‌ها و فنون نیاز دارد. ب) تناسب با محتوا: از آنجا که عناصر اصلی یادگیری یعنی مفاهیم، فعالیت‌ها و مهارت‌ها و نیز نگرش‌ها در محتوا وضوح پیدا می‌کنند، بهتر می‌توان بین این عناصر و روش‌ها رابطه برقرار کرد. ج) تناسب با محدودیت‌ها و توانایی‌ها: روش مورد نظر باید بر اساس امکانات آموزشی و توانمندی‌های یادگیری دانش‌آموزان تنظیم شود. د) تناسب با نظام ارزشی: روش‌های انتخاب‌شده باید با نظام ارزشی آن کشور، منطقه یا اقلیم متناسب باشد. روش‌هایی که حریم ارزش‌ها را می‌شکنند در نظام تربیت اسلامی به نوعی در منطقه ممنوعه‌اند. ه) تناسب با علایق دانش‌آموزان: اصولاً کارهای بزرگ را افراد علاقه‌مند و با انگیزه انجام می‌دهند. بنابراین اگر محتوای درس و روش تدریس با علایق افراد هماهنگ نباشد، حرکت مؤثر یادگیری به وجود نمی‌آید. و) تناسب با زمان آموزشی: روش موردنظر باید به گونه‌ای باشد که با کمبود زمان مواجه نشود زیرا این کار موجب اختلال و ایجاد یادگیری ناقص می‌شود. ز) فعال‌سازی یادگیرنده: در صورت فعال بودن یادگیرنده، محتوای یادگیری در فرد، درونی و زمینه تغییر رفتار در او فراهم می‌شود. ح) تلفیق آموزش و پرورش: روش موردنظر باید تلفیقی از آموزش و پرورش باشد. هدف روش تدریس، فقط دادن اطلاعات آموزشی به دانش‌آموزان نیست بلکه تربیت آن‌ها و رشد اخلاقی و اعتقادی آن‌ها نیز مدنظر است. ط) بسیج همه قوای درون: این اصل مکمل اصل قبلی است. از لوازم پرورش همه جانبه، آن است که یادگیرنده با همه توانایی‌ها و قابلیت‌های خود در عرصه یادگیری ظاهر شود. احساس، عقل، توانایی فیزیکی، حواس و سایر موارد امکاناتی‌اند که هر یک قسمتی از ظرفیت یادگیرنده را پرورش می‌دهند. حال، روش تدریس مؤثر و مفید باید همه این امکانات و توانایی‌ها را بسیج کند. ی) فرصت‌های متنوع یادگیری: منظور از فرصت‌های یادگیری، شرایط مناسبی است که در آن یادگیرنده می‌تواند فردی یا گروهی به فعالیت بپردازد. ک) توازن ابعاد یادگیری: یادگیری دارای سه بعد «شناخت»، «نگرش» و «مهارت» است. یادگیرنده‌ای که در شناخت ضعیف باشد جهت حرکت را نمی‌شناسد، اگر در نگرش ضعیف باشد انگیزه و انرژی مثبت برای حرکت ندارد، و اگر در مهارت ضعیف باشد توانایی حرکت به سوی وضع مطلوب را ندارد. ل) انعطاف‌پذیری در شرایط مختلف: از آنجا که گاهی شرایط زمانی و امکانات و شرایط محیطی، وضعی را به وجود می‌آورند که ممکن است در برنامه و فرآیند تدریس اختلال ایجاد شود، نیاز به انعطاف‌پذیری روش تدریس است تا فرآیند تدریس بر اساس امکانات و شرایط موجود پیش رود. م) ترکیب روش‌ها: در این حالت معلم



باید انواع روش‌ها را با یکدیگر ترکیب کند و نظام اصول و روش‌های متناسب با اهداف به وجود آورد. (رستمی و مظفر و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۲۹-۳۲) [4] (ملکی، ۱۳۹۴: ۱۶۸-۱۷۴) [5]

روش‌های تدریس به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند، روش‌هایی که در گذشته‌های بسیار دور به کار می‌رفتند، «روش‌های تاریخی» و روش‌هایی که متکی بر یافته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی جدید می‌باشند «روش‌های نوین» نامیده می‌شوند. از میان روش‌های تاریخی، دو روش بیشتر از سایر روش‌ها در ایران شهرت دارند، یکی روش سقراطی و دیگری روش مکتبی. (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۰۴) [6]

## ۲. سقراط

سقراط در سال ۴۶۹ تا ۴۷۰ ق.م متولد شد و محاکمه و اعدام او به دلیل از راه به درکردن جوانان با پرورش فکر آنان و تشویق به پرسشگری از وضع موجود و معرفی و اعتقاد به خدایانی که مورد تأیید حکومت آتن نبودند، در بهار ۳۹۹ صورت گرفت؛ افلاطون می‌گوید او در آن هنگام هفتاد سال داشت. سقراط اهل آتن بود، پدرش سوفرونیسکوس نام داشت و مادرش فاینارته؛ بخشی او را آلوپکه نیز می‌نامیدند. می‌گویند پدر او سنگتراش و پیکرتراش بوده است. سقراط با کسانتیپ ازدواج کرده بود و سه پسر داشت. بزرگترین آنها، یعنی لامپروکلس، در هنگام مرگ او جوان بود، و کوچکترین آنها، بچه کوچکی بیش نبود. (گاتری، ۱۳۷۶: ۱۰۳ و ۱۱۵) [7] (محمدی چابکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸) [8] سقراط نوشته‌ای از خود به جای نگذاشت و عمدتاً از طریق نویسندگان باستان و شاگردانش همچون افلاطون به دنیا معرفی شد.

سقراط معتقد بود که بهترین روش برای آموختن و آموزش، پرسشگری موشکافانه نظام‌مند است. به عبارت دیگر چنین می‌پنداشت که اگر به واسطه پرسشگری به مردم نشان دهیم کدام باور یا عمل معقول‌تر است، بهتر خواهند آموخت تا اینکه به ایشان بگوییم چه کار کنند یا چه باوری داشته‌باشند. (الدر، پل، ۱۳۹۷: ۲۲۴) [9] گرگوری و لاستوس که تمام وقت خود را صرف تحقیق در مورد سقراط نموده، اظهار می‌نمایند که روش سقراطی، نه تنها بزرگترین خدمت سقراط است، بلکه این روش، مهم‌ترین دستاورد در میان دستاوردهای مهم بشری است. (ولاستوس، ۱۹۷۱: ۲۰-۱۹) [15] (چناری، ۱۳۸۷: ۱۳۸) [10]

سقراط را «فیلسوف گفت‌وگو» نیز می‌خوانند؛ زیرا او با ابداع روش خاصی که به نام خودش نامیده شده، به مبارزه با سوفسطاییان و سودجویان زمان خود برخاسته و به ترویج گفتگوی سالم و رشد‌دهنده در جامعه خویش پرداخت. (محمدی چابکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۸)

## ۳. روش تدریس سقراطی

روش سقراطی، روش ویژه‌ای را برای اثبات سهو و خطا و رفع شبهه از اذهان به کار می‌برد. وی به وسیله سؤال و جواب و مجادله، پس از آنکه خطای مخاطب را ظاهر می‌کرد، به همان ترتیب، مکالمه و پرسش و پاسخ را دنبال کرده، تا به کشف حقیقت نائل آید.

در روش سقراطی معلم صحبت نمی‌کند، بلکه او سؤال می‌کند و شاگردان سخن می‌گویند. اما سؤال‌ها به گونه‌ای تنظیم و مطرح می‌شوند که شاگرد را از جهل خویش نسبت به موضوع آگاه می‌گردانند و اندیشه او را برای دستیابی به حقیقت، ژرفا می‌بخشد.

تحلیل‌گران، روش سقراطی را تا حدودی به روش‌های روانکاو عصر حاضر تشبیه کرده‌اند. سقراط معمولاً بحث خود را با یک سؤال عادی درباره مفاهیمی از قبیل شهامت، عدالت، پرهیزگاری، تقوا و ... آغاز می‌کرد و به تدریج به شاگردان می‌فهماند که درست در نقطه‌ای



که آنها بیش از حد، خود را دانا می‌پنداشتند، جاهل و نادان بودند. شاگردانش در آغاز بحث از سقراط می‌رنجیدند، اما بعد، از خویشتن شرمسار می‌گشتند. اما پس از اینکه خشم درونی آنها فرو می‌نشست، برای خودکاوی آماده می‌شدند. پاره‌ای از صاحب نظران بر این باورند که روش سقراط، روش تدریس نیست بلکه روشی اکتشافی<sup>۱</sup> است. سقراط در روش خود، هدف‌های آموزشی ویژه‌ای برای شاگردان خود در نظر نداشت، بلکه می‌خواست آنان کاوشگران خوبی تربیت شوند. (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۰۴ و ۱۰۵) (شاکری، ۱۳۸۳: ۹۵-۹۴) [11]

پرسشگری سقراطی ارتباط تنگاتنگی با تفکر انتقادی دارد زیرا فن پرسشگری برای تعالی تفکر حیاتی است. آنچه صفت «سقراطی» را به پرسشگری می‌افزاید روشمندی، عمق، و توجه پیوسته به تعیین درستی یا محتمل بودن ادعاها است. تفکر انتقادی و پرسشگری سقراطی هر دو یک مقصود دارند. تفکر انتقادی ابزارهای مفهومی برای درک طرز کار ذهن در روند جستجوی معنا و حقیقت در اختیار ما می‌گذارد و پرسشگری سقراطی از این ابزارها استفاده می‌کند تا پرسش‌های لازم را برای جستجوی معنا و حقیقت مطرح کند. هدف تفکر انتقادی این است که سطح دیگری به تفکر معمول ما بیافزاید؛ نوعی ندای درونی خردورزانه که افکار، احساسات و اعمال ما را بررسی، ارزیابی و بازسازی می‌کند. گفت‌وگوی سقراطی به واسطه نوعی پرسشگری نظام‌مند خود مخاطب، این ندای درونی را پرورش می‌دهد. (الدر، پل، ۱۳۹۷: ۱۴)

روش سقراط از چند ویژگی برخوردار است:

۱. نخستین هدف سقراط، کنکاش درباره مسئله مورد نظر بود. سقراط به آموختن حقایق ویژه و مسائل جزئی کمتر اهمیت می‌داد؛ زیرا قصدش این بود که مهارت شاگردان برای کشف حقایق پرورش یابد.
  ۲. همانطور که اشاره شد، در روش سقراطی، نقش معلم عمدتاً شامل پرسیدن و نقش شاگرد در سازماندهی و به‌کارگیری دانش و تجربه گذشته خود برای پاسخ دادن به سوال‌ها بود.
  ۳. روش سقراط نه تنها روشی جدلی (دیالکتیک)<sup>۲</sup> و شامل کنش متقابل بین شاگرد و معلم بود، بلکه استقرایی<sup>۳</sup> نیز بود، یعنی از جزئیات به کلیات می‌رسید. (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۰۴)
- به طور خلاصه، گفت‌وگوی سقراطی بحثی است که:

۱. فردی آن را هدایت می‌کند.
  ۲. روشمند و منظم است.
  ۳. گرداننده آن را به واسطه پرسش‌هایی که می‌کند پیش می‌برد.
  ۴. در آن همه شرکت‌کنندگان تشویق می‌شوند که از سطح موضوع پیش‌تر بروند و در پیچیدگی‌های مفاهیم یا پرسش‌های بنیادی تعمق کنند. (الدر، پل، ۱۳۹۷: ۸۲)
- شکل‌های پرسشگری سقراطی را از حیث نحوه ترتیب دادن آن می‌توان عموماً به سه دسته خودانگیخته، کاوشگرانه و متمرکز تقسیم کرد. از هر سه این شکل‌های پرسشگری می‌توان برای بررسی تفکر دانش‌آموزان در هر یک از سطوح آموزشی بهره گرفت.

<sup>۱</sup> روش اکتشافی معطوف به موقعیتی از تدریس است که در آن دانش‌آموزان با راهنمایی محدود یا بدون راهنمایی معلم روابط پدیده‌ها را کشف و یا اندیشه‌ای جدید تولید می‌کنند. (شعبانی، ۱۳۹۵: ۳۸۷)

<sup>۲</sup> روش جدلی (دیالکتیک) فن یا شیوه‌ای منطقی برای بررسی اعتبار باورها یا اندیشه‌ها، اغلب از طریق پرسش و پاسخ است. (الدر، پل، ۲۰۱۶: ۲۲۱)

<sup>۳</sup> در روش استقرایی، دانش‌آموزان به تجزیه و تحلیل اطلاعات، داده‌ها، فرضیه‌ها، کشف یک الگو و نتیجه‌گیری تشویق می‌شوند. در این روش، حرکت از نمونه‌ها شروع می‌شود و به کشف یا ارائه قوانین عمومی منجر می‌گردد. (شهرتاش، فلسفی، رهبر، حاجیان، ۱۳۸۷: ۲۳۶) [12]



گفت‌وگوی خودانگیز (از پیش طراحی نشده): اگر نحوه تدریس حال و هوای سقراطی داشته باشد، اگر کنجکاوی و اشتیاق جویندگی همچنان در شما زنده باشد، موقعیت‌های فراوانی برایتان پیش می‌آید که در آن‌ها از دانش‌آموزانتان پرسش‌هایی می‌کنید که منجر به بررسی تفکر آنان خواهد شد. فرصت‌های زیادی پیش می‌آید که از آنها بپرسید منظورشان چیست و به اتفاق خودشان بررسی کنید که چطور می‌شود فهمید چیزی درست، منطقی یا معقول است. برای گفت‌وگوی خودانگیز، چنان که از نامش پیداست، نمی‌توان از پیش برنامه‌ریزی کرد، اما شما می‌توانید به نوعی با بررسی و احاطه یافتن به پرسش‌های سقراطی همانند با پرورش مهارت مطرح کردن پرسش‌های جستجوگرانه ادامه‌دار با واکنش‌های تشویق‌آمیز و کمک‌کننده، خود را آماده کنید. برای این نوع از پرسشگری سقراطی می‌توان ترفندهایی را تمرین و اجرا کرد که عبارتند از: \* در مورد نکته‌ای که دانش‌آموز مطرح کرده یا خودتان گفته‌اید درخواست مثال کنید. \* در مورد موضعی که دانش‌آموز دارد درخواست دلایل یا شواهد کنید. \* یکی دو مثال نقض بیاورید. \* از کل گروه بپرسید موافقت یا نه (آیا همه با این نظر موافقت می‌کنند؟ کسی هست که موافق نباشد؟) \* مثال‌های مشابه یا همانند بیاورید. \* تمثیلی بیاورید که نظر خاصی را عینی کند. \* از دانش‌آموز بخواهید دیدگاه مخالف را به بیان خودش توضیح دهد. \* پاسخ دانش‌آموزان را دقیق و واضح به بیانی دیگر تکرار کنید.

گفت‌وگوی کاوشگرانه: اطلاق صفت کاوشگرانه به یک گفت‌وگوی سقراطی موقعی مصداق دارد که آموزگار می‌خواهد ببیند دانش‌آموزان چه چیزهایی می‌دانند و چگونه فکر می‌کنند و تفکر آنان را در مورد مسائل مختلف بررسی کند. می‌توان در آغاز ترم یا درس از این شکل گفت‌وگو برای سنجش تفکر دانش‌آموزان و بررسی ارزش‌های دانش‌آموزان، آشکار کردن گره‌های فکری یا سوگیری‌های احتمالی از آن استفاده کرد. می‌توان به واسطه آن تشخیص داد تفکر دانش‌آموزان در مورد چه چیزهایی واضح‌تر است و کجاها گنگ و مبهم. می‌توان با این نوع گفت‌وگو حوزه‌ها و موضوع‌های مورد علاقه و محل مناقشه را پیدا کرد یا فهمید دانش‌آموزان مطالب درسی را در چه مواردی و چه طور جزئی از تفکرشان یا رفتارشان کرده‌اند. از این گفت‌وگوها می‌شود برای مطرح کردن مقوله‌ای، آماده کردن دانش‌آموزان برای تحلیل مبحثی یا مرور نکات مهم پیش از امتحان بهره گرفت. می‌توان با آن معلوم کرد دانش‌آموزان از مطالعه درس یا موضوع مورد نظر چه آموخته‌اند یا تشخیص داد که در آینده بهتر است چه تکالیفی به آنان داده شود.

گفت‌وگوی متمرکز: در کار آموزش، خیلی وقت‌ها آموزگار می‌خواهد به موضوع‌ها و مقوله‌های مشخصی بپردازد. برای این منظور می‌توان از پرسشگری سقراطی متمرکز استفاده کرد. برای بررسی عمیق یک مفهوم یا مقوله، دانش‌آموزان می‌توانند در بحثی گسترده و متمرکز شرکت کنند تا در حین آن به واضح‌سازی، دسته‌بندی، تحلیل و ارزیابی اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها برانگیزنده شوند، آنچه را می‌دانند از آنچه نمی‌دانند تمیز دهند، و عوامل و دانش مربوط را با هم ترکیب کنند. (الدر، پل، ۱۳۹۷: ۱۶۸-۱۵۶) (پاول، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۶) [13]

### ۱.۳. روش سقراطی و آموزش

آموزش سقراطی ممکن است صورت‌های متعددی به خود بگیرد. پرسش‌های سقراطی را هم معلم می‌تواند مطرح کند هم دانش‌آموزان. از این پرسش‌ها می‌توان در یک گروه بزرگ، در گروه‌های کوچک، دو نفره و حتی به تنهایی استفاده کرد. آنها را می‌توان با قصه‌های مختلف مطرح کرد. نقطه اشتراک همه صورت‌ها این است که تفکر یک انسان در نتیجه پرسیدن سؤال‌های استنتاجی و برانگیزاننده پرورش می‌یابد. این امر نیازمند پرسشگرانی است که باورهای دیگران را سبک و سنگین کنند، و تصور می‌کنند که پذیرفتن آنها چه معنایی می‌تواند داشته باشد و کنجکاو می‌شوند که داشتن یک باور دیگر چطور می‌تواند باشد.



معلمی که چگونه یاد گرفتن و چگونه فکر کردن دربارهٔ بسیاری از موضوع‌های اساسی را به دانش‌آموزان یاد می‌دهد دانشی را در اختیار آنان می‌گذارد که بقیهٔ عمرشان می‌توانند از آن بهره ببرند. این معلم تشخیص می‌دهد که تقسیم‌بندی‌های موضوع درسی قراردادی‌اند و فقط به خاطر راحتی کار در نظر گرفته شده‌اند؛ تشخیص می‌دهد که بیشتر مسائل مهم زندگی روزمره نیازمند ترکیب دانش و بینش برگرفته از چندین درس است. فهم عمقی یک درس مستلزم فهم سایر درس‌ها است. برای مثال، کسی نمی‌تواند پرسش‌های راجع به تاریخ را بدون پاسخ‌دهی به پرسش‌های مرتبط در زمینهٔ روانشناسی، جامعه‌شناسی و ... پاسخ دهد. دانش‌آموزان باید ارزش دانش، شواهد و استدلال را از طریق به دست آوردن بازده‌های معنادار در مواجهه با مسائل زندگی روزمرهٔ بیرون از مدرسه کشف کنند. معلم، با وقوف به مسائل همگانی که مبتلا به همهٔ ماست، باید یکایک دانش‌آموزان را به یافتن راه حل مشخص از طریق تجربه‌های خود تأملی و فرایند‌های فکری ترغیب کند.

معلمی که به آزادی فردی و تفکر شخصی معتقد است پاسخ پرسش‌ها را همچون لقمهٔ جویده شده در دهان دانش‌آموزان نمی‌گذارد. از طرفی نباید کاری کرد که دانش‌آموزان فکر کنند پاسخ این سؤال‌ها سلیقه‌ای است و صرفاً به عقیدهٔ آنها مربوط می‌شود. بدین ترتیب، این گونه معلمان دربارهٔ درس‌هایی که تدریس می‌کنند به تأمل می‌پردازند. آنها از خود می‌پرسند: «چه ایده‌ها و مهارت‌هایی در این درس اساسی‌تر و مهم‌ترند؟ متخصصان این رشته چه کار می‌کنند؟ آنها چگونه فکر می‌کنند؟ چرا دانش‌آموزان باید با این درس آشنا شوند؟ یک فرد تحصیل کرده و شهروند نظام جمهوری از این درس چه استفاده‌ای می‌کند؟ این کاربردها را چطور می‌توانم برای دانش‌آموزانم آشکار کنم و تحقق ببخشم؟ حوزه‌های درسی مختلف در چه جاهایی همپوشی دارند؟ ابزارها و بینش‌های مربوط به هر درس چگونه باید روی فهم دانش‌آموز از سایر دروس تأثیر بگذارد یا روی فهم او از جایگاه خودش در جهان؟» (پاول، ۱۳۹۰: ۳۶-۳۴)

سقراط توانسته است از طریق تغییر فضای ارتباطی، کلاس درس را از رابطهٔ یک سو به میان هر شاگرد و معلم، به فضای تعامل و همکاری بدل نماید. آنچه به صورت احساس مسئولیت درون‌گروهی برای مشارکت‌کنندگان در گروه‌ها اتفاق افتاده و با بیان تغییر رابطهٔ سلطه‌گرایانه و رسمی به سوی وظیفهٔ مشترک همه برای بررسی نقادانه موضوع، ارائه شده است. طرز نشستن گرداگرد و ارتباط چشمی میان تک‌تک افراد در هنگام بحث، ضمن آن که امکان بیشتر تعامل میان فردی را فراهم ساخته، وضعیتی از موقعیت برابر برای همه را طراحی کرده است که افراد را به سوی همکاری و مشارکت بیشتر هدایت می‌کند. در این میان، مریبان با نظر به شعار «خود را بشناس» سقراط، می‌تواند توجه نقادانه دانش‌آموزان را به رفتارها و دیدگاه‌های خود جلب کرده و آنها را به اصلاح و تکمیل ویژگی‌های شخصی خود و پرورش فضایل اخلاقی همچون عدالت، شجاعت، همدلی و سخاوت دعوت کند. (محمدی چابکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۶) در تعلیم و تربیت، از نظر مورتیمر آدلر با توجه به کتاب وی به نام «طرح پیشنهادی برای تعلیم و تربیت»، شیوهٔ مناسب برای آموزش باید روش تدریس سقراطی باشد؛ طریقه‌ای برای تدریس که مامایی نامیده می‌شود، زیرا به شاگرد کمک می‌کند که فکر را بزاینده (چناری، ۱۳۸۷: ۱۴۶) به عقیدهٔ آدلر و پل، تفکر در هر زمینه‌ای هنگامی آغاز می‌شود که آموزگار و دانش‌آموزان در آن زمینه پرسش مطرح کنند. نبودن پرسش، مساوی است با درک نکردن و پرسش‌های سطحی، مساوی است با درک سطحی. بسیار مهم است که دانش‌آموزان، همچنان که مهارت پرسشگری خود را پرورش می‌دهند، یاد بگیرند که هیچ تفکری فی‌نفسه کامل نیست، بلکه همواره در معرض بهتر شدن و پیشرفت است. خود درک نیز ناکامل است. برای دانش‌آموز اهل تفکر، حاصل چنین بینشی تواضع فکری است.

بنابراین در کار آموزش دست کم به دو منظور می‌توان از پرسشگری سقراطی بهره گرفت:

۱. واری عمیق تفکر دانش‌آموزان؛ اینکه به ایشان کمک کنیم تشخیص دهند چه چیزهایی را می‌دانند یا می‌فهمند و چه چیزهایی را نمی‌دانند یا نمی‌فهمند و در این روند به تواضع فکری دست یابند.



۲. پرورش توانایی دانش‌آموزان در طرح پرسش‌های سقراطی، اینکه کمکشان کنیم بر تمهیدات کارآمد گفت‌وگوی سقراطی مسلط شوند تا بتوانند از این تمهیدات در زندگی روزمره استفاده کنند. به این منظور، باید الگویی از راهبردهای پرسشگری به دست دانش‌آموزان دهیم که می‌خواهیم از آن سرمشق بگیرند و به کار بندند. در ضمن باید به دانش‌آموزان یاد دهیم چطور پرسش‌های عمیق بسازند و بیان کنند. علاوه بر این، دانش‌آموزان پیوسته باید تمرین کنند. (الدر، پل، ۱۳۹۷: ۱۲)

برای بهره‌گیری از گفت‌وگوی سقراطی معلم باید همراه کلاس بیندیشد و به تمام صحبت‌ها و نظرات دانش‌آموزان فکر کند و در ابراز و تحریک حس کنجکاوی موقعیت‌سنج باشد. آموزگار باید راه‌های مختلف و متنوعی را برای پاسخ و واکنش دادن به دانش‌آموزان بیابد و نباید از مکث و تأمل نسبت به نظرات دانش‌آموزان گریزان باشد و برای ارائه پاسخ فوری اقدام کند. معلم باید بر روند گفت‌وگو مسلط باشد و آن را رهبری کند تا از مسیر اصلی موضوع خارج نشود. آموزگار بایستی هر از گاهی جمع‌بندی کند که بحث به کجا رسیده و به دانش‌آموزان کمک کند تا آنچه را که تا به حال در این گفت‌وگو آموخته‌اند، از حرف‌های ظاهری به ندایی باطنی بدل کنند که رفتارهایشان را هدایت می‌کند. (همان: ۱۹۶-۱۹۰)

آنچه در ادامه آمده، متن یک گفت‌وگوی سقراطی برای کلاس چهارم ابتدایی است. گرداننده بحث اولین بار بود که با این دانش‌آموزان کار می‌کرد. هدف این بود که بفهمد این کودکان در مورد موضوعی گسترده، یعنی ذهن و طرز کار آن چطور فکر می‌کنند:

آموزگار: ذهن شما چطور کار می‌کند؟ اصلاً ذهنتان کجاست؟

دانش‌آموز: توی کله‌مان. (خیلی از دانش‌آموزان به سرشان اشاره می‌کنند.)

آموزگار: ذهن تان کاری هم می‌کند؟

دانش‌آموز: باعث می‌شود آدم بتواند چیزها را یادش بماند و فکر کند.

دانش‌آموز: باعث می‌شود آدم بتواند مثلاً وقتی که می‌خواهیم راه برویم، ذهن پیام می‌فرستد به پاها.

دانش‌آموز: یک قسمت از ذهن به یک قسمت از بدن فرمان می‌دهد، قسمت دیگرش به جاهای دیگر.

دانش‌آموز: مثلاً وقتی آدم دست می‌زند به یک چیز خیلی داغ، خبر می‌دهد که گریه کنی یا بگویی آخ!

آموزگار: این را هم به آدم می‌گوید که چه موقع خوشحال باشد و چه موقع غمگین؟ ذهن از کجا می‌داند کی باید خوشحال بود کی غمگین؟

دانش‌آموز: وقتی اذیت می‌شوی بهت می‌گوید غمگین بشوی.

دانش‌آموز: وقتی دارد اتفاق ناراحت کننده‌ای می‌افتد.

دانش‌آموز: وقتی رعدوبرق می‌زند و آدم می‌ترسد.

دانش‌آموز: وقتی چیزی را که می‌خواهی بهت می‌دهند.





آموزگار: آیا ممکن است دو نفر در شرایط مشابه باشند ولی یکیشان خوشحال باشد آن یکی غمگین؟ با اینکه شرایط هر دو عین هم است؟

دانش آموز: مثلاً وقتی یک جور اسباب بازی می دهند. یکی ممکن است ازش خوشش بیاید. آن یکی هم همین اسباب بازی را می گیرد ولی ازش خوشش نمی آید.

آموزگار: فکر می کنید چرا بعضی ها از فلان چیز خوششان می آید و بعضی ها از چیزهای دیگر؟

دانش آموز: چون که همه عین هم نیستند. ذهن هر کسی با آن یکی فرق می کند و جور دیگری ساخته شده. جور دیگری درست شده.

دانش آموز: چون که شخصیت آدمها فرق می کند.

آموزگار: شخصیت چیست؟ از کجا می آید؟

دانش آموز: وقتی آدم بعضی کارها را شروع می کند بعد متوجه می شود بعضی هایشان را بیشتر دوست دارد.

آموزگار: شخصیت مادرزادی است یا در حین رشد شکل می گیرد؟

دانش آموز: همین طور که بزرگ می شوی شکل می گیرد.

آموزگار: چه می شود که شخصیت آدمها با هم فرق می کند؟

دانش آموز: به خاطر، مثلاً، پدر و مادرش و این چیزها.

آموزگار: شخصیت پدر و مادر چه جوری شخصیت آدمها را شکل می دهد؟

دانش آموز: چون که بچه همایش پیش پدر و مادرش است و هر پدر و مادری هم جور خاصی رفتار می کنند و اگر فکر کنند که رفتار درست این است می خواهند تو هم همین جوری رفتار کنی. یعنی یک جورهایی این را یادت می دهند.

دانش آموز: یعنی مثل وقتی که چیزی رسم است. پدر و مادر آدم دلشان می خواهد تو هم همان جوری رفتار کنی که پدر و مادر خودشان رفتار می کردند.

و ...

با توجه به نمونه بیان شده از کلاس درسی از پایه چهارم ابتدایی می توان گفت که گفت و گوی سقراطی انعطاف پذیر است. همیشه پرسشی که مطرح می شود بستگی دارد به پاسخهایی که دانش آموزان پیش تر داده اند. ایده هایی که آموزگار می خواهد مطرح کند وابسته است به اینکه در حین گفت و گو چه پرسشهایی به ذهن آموزگار خطور می کند. به یاد داشته باشید که پرسشهای سقراطی عموماً مسائل اساسی را پیش می کشند، به عمق قضایا رسوخ می کنند، و به آن دست از حوزه های فکری می پردازند که محل مناقشه است. (همان:



### ۲.۳. نقد روش سقراطی

برخی ادعان داشته‌اند به کارگیری روش سقراطی برای نوجوانان و جوانانی که زمینه‌سازی فرهنگی مناسبی برای آنها صورت نگرفته است می‌تواند بسیار خطرناک باشد چرا که در این روش تفکرات و اندیشه‌های فرد مورد انتقاد قرار می‌گیرد؛ در مقابل، گروهی معتقدند که این روش می‌تواند زمینه‌ساز خوبی برای پرورش تفکر انتقادی از همان دوران کودکی باشد؛ بعضی نیز پیشنهاد ادغام این دو نظر را داده‌اند.

یکی از مهمترین نقدها به روش سقراطی از سوی فیلسوفان تحلیلی تعلیم و تربیت مطرح شده است. آنها طرح سؤالات سقراط را جهت‌دار و حاوی پیش فرض دانسته و روش او را القایی می‌دانند. شفیلد به نقد سقراط روی آورده و اظهار می‌دارد که «با این وصف، در اینجا باید یکی از بزرگترین نقایص روش سقراطی را مورد توجه قرار دهیم: این نقص آن است که به سادگی می‌توان سؤالات تقلبی عنوان کرد. سؤالات تقلبی آنهایی هستند که مخاطب را وادار می‌سازند تا پاسخ‌هایی متناسب با منظور ما بدهد.» رابل نیز مطرح کردن اینگونه سؤالات را نامطلوب می‌داند و اظهار می‌دارد که هرگاه مفروضات، تعصبات و پیش‌داوری‌های خودش را در دیگران می‌بیند بسیار خشمگین می‌شود. (محمدی چابکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۷)

یکی دیگر از نقدهایی که به این روش وارد شده است، زمان‌بر بودن آن است و آورده شده است که دانش‌آموزان با این روش به کندی رشد می‌کنند و ترتیب کار به طوری که با استنتاج نتایج اندیشه‌های فلان کودک، دیگران نیز چیزی یاد بگیرند دشوار است. (آرمند، ۱۳۷۲: ۲۰) [14]

هرچند اشکالات مطرح شده جای تأمل بسیاری دارد، اما به نظر می‌رسد در اینجا باید میان روش سقراطی و به کارگیرنده روش تمایز قائل شویم. این روش بسان تمامی روش‌های دیگر صرفاً ابزاری است که می‌توان از آن به طرق مختلف بهره برد؛ حسن استفاده و سوء استفاده می‌تواند نتایج متفاوتی به بار آورد. به کارگیری ناصواب این روش نماینده ضعف‌های ذاتی آن نمی‌تواند باشد؛ ضمن اینکه فهم کامل روش سقراطی در مجموعه اندیشه‌های خود سقراط که تأکید بسیاری بر فضیلت و اخلاق داشت، امکان‌پذیر است. (محمدی چابکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۷)

### ۴. روش تدریس سقراطی و فنون تدریس نوین

یکی از روش‌های تدریس نوین که امروزه در موقعیت‌ها و شرایط مختلف کلاسی، متناسب با محتوای درسی و در نظام‌های جهانی آموزش و پرورش انتخاب و اجرا می‌شود و متداول است، روش تدریس پرسش و پاسخ است که نقاط مشترک زیادی با روش تدریس تاریخی سقراطی دارد.

پرسش و پاسخ فنی است که می‌تواند در کلیه روش‌های تدریس و فعالیت‌های آموزشی به کار رود. در این روش، معلم دانش‌آموزان را به تفکر و تلاش درباره مفهومی جدید یا بیان مطلبی تشویق می‌کند. وی اندیشه‌ها و تفکرات خود را به دانش‌آموزان دیکته نمی‌کند و با اظهارهای منطقی، ادراک‌ها و فعالیت‌های دانش‌آموزان را جهت می‌دهد. او به عنوان یک تسهیل‌کننده رخدادهای آموزشی از داوری یا نتیجه‌گیری علمی و اخلاقی می‌پرهیزد. دانش‌آموزان در بیان عقاید خود کاملاً آزادند، و روابط معلم با دانش‌آموزان فارغ از هرگونه فشار و تحمیل است. معلم هرگز در پرسش یا رفتار ارشادی خود به تفسیر و ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان نمی‌پردازد. این فن، ممکن است برای مرور کردن مطالبی که قبلاً تدریس شده است مفید باشد و یا وسیله مناسبی برای ارزشیابی میزان درک دانش‌آموز از مفاهیم مورد نظر باشد. (شعبانی، ۱۳۹۵: ۳۲۵) (صوفی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۶)



در این روش سؤال باید روشن و واضح بوده و اصطلاحات و مطالب نامأنوسی نداشته باشد تا شاگرد معنی دیگری از آن برداشت نکند و نباید طوری طرح شود که جواب آن فقط بله یا خیر یا یک جمله کوتاه باشد؛ زیرا همانطور که گفته شد، سؤال باید دانش‌آموز را به تفکر وادارد. سؤال باید منظور مشخصی را تعقیب کند و هدفدار باشد و باید حتی الامکان مختصر بوده و با سن، استعداد و پایه تحصیلی شاگرد تناسب داشته باشد. پرسش نباید فقط حافظه و معلومات حفظی را بسنجد و جوابی را بخواهد که عین جملات کتاب باشد؛ زیرا این‌گونه سؤال‌ها دانش‌آموز را به یادگیری طوطی‌وار ترغیب می‌کند. جمله‌ای که برای سؤال به کار می‌رود باید حاوی چند سؤال نباشد، بلکه فقط یک سؤال را مطرح کند. باید وقت کافی به دانش‌آموز داده شود تا بتواند فکر کند و جواب بدهد. سؤال نباید جواب را هم در بر داشته باشد و حتی الامکان باید سعی شود که همه شاگردان در پاسخگویی به سؤال‌ها شرکت کنند و سؤال و جواب فقط به عده خاصی اختصاص نیابد. (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۳۰)

برخی از صاحب نظران روش پرسش و پاسخ را روش سقراطی نیز گفته‌اند. سقراط معتقد بود دانش در طبیعت افراد وجود دارد؛ کافی است که معلم زمینه را مساعد کند تا دانش‌آموزان، خود به دانش مورد نظر برسند. سقراط در جلسات خود هرگز به انتقال مستقیم اطلاعات نمی‌پرداخت بلکه با طرح پرسش‌های متوالی، افراد را به تفکر وادار می‌داشت و آنان را قدم به قدم هدایت می‌کرد تا خود جواب درست را کشف کنند یا به حل مشکل بپردازند. در روش پرسش و پاسخ نیز معلم هنگام جلب توجه دانش‌آموز به مطلب یا درس جدید و تدریس آن، مستقیماً به بیان مطلب نمی‌پردازد بلکه با طرح سوال‌های برنامه‌ریزی شده، فعالیت ذهنی دانش‌آموزان را در مسیر مطالب و مفاهیم جدید قرار داده، آن را هدایت می‌کند تا خود به کشف مفاهیم جدید توفیق یابند. (شعبانی، ۱۳۹۵: ۳۲۶) در مقابل، تفاوت‌هایی بین پرسشگری سقراطی و پرسش و پاسخ معمولی قائلند. آنان معتقدند که پرسشگری سقراطی روشمند، منظم و عمیق است و معمولاً بر مفاهیم، اصول، نظریه‌ها، موضوعات و مشکلات اساسی تمرکز دارد. آموزگاران، آموزش‌پذیران یا در واقع هر کسی که به تفکر در سطحی عمیق‌تر علاقه‌مند باشد می‌تواند، و باید که، پرسش‌های سقراطی مطرح کند و به گفت و گوی سقراطی بپردازد. در کار آموزش وقتی از پرسشگری سقراطی بهره می‌گیریم، قصدمان ممکن است بررسی تفکر دانش‌آموزان باشد تا معلوم کنیم دانش آنان در مورد فلان مقوله یا مسئله چقدر است. در تحلیل نهایی می‌خواهیم دانش‌آموزان روش پرسشگری سقراطی را بیاموزند تا از آن برای تعقل در مورد مسائل پیچیده، برای فهم و ارزیابی تفکر دیگران و برای تعیین استلزامات اندیشه‌های خود و دیگران بهره بگیرند. (الدر، پل، ۱۳۹۷: ۱۴)

در انتهای صحبت درباره روش سقراطی و پیوند آن با روش‌های نوین تدریس، این نکته مهم را یادآوری می‌کنیم که هیچ‌گاه یک شیوه تدریس به تنهایی تکمیل‌کننده فرایند آموزش نخواهند بود چرا که در کنار مزایا و نکات مثبت آن، همیشه عواملی، محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند بنابراین در این جا نقش معلم مهم و چشمگیر خواهد بود که با در نظر گرفتن شرایط و متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزانش دست به انتخاب و تلفیق روش‌های مختلف تدریس بزند تا مشکلات و موانع به حداقل برسند و حداکثر بازدهی را از روند آموزش دریافت کنند.

## منابع

- [1] غلامحسین شکوهی، ۱۳۹۸. مبانی و اصول آموزش و پرورش، چاپ ۳۹، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
- [2] علی‌اکبر سیف، ۱۳۹۸. روانشناسی پرورشی نوین (روانشناسی یادگیری و آموزش)، ویراست ۷، چاپ ۶۷، تهران، نشر دوران.
- [3] حسن شعبانی، ۱۳۹۵. مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)، ویراست ۳، چاپ ۲۹، تهران، نشر سمت.

# نشتمین کنفرانس ملی علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6<sup>th</sup> National Conference on  
Humanities and Education With a focus on sustainable development  
www.mpconf.ir



- [4] مرتضی رستمی، رضا مظفر، محمدحسین ابراهیمی، ۱۳۹۸. روش‌های مؤثر در تدریس کتاب‌های دوره ابتدایی، خراسان رضوی، نشر جالبز.
- [5] حسن ملکی، ۱۳۹۴. مقدمات برنامه‌ریزی درسی، چاپ ۱۰، تهران، نشر سمت.
- [6] امان‌الله صفوی، ۱۳۹۲. کلیات روش‌ها و فنون تدریس (متن کوتاه)، چاپ ۱۵، تهران، نشر معاصر.
- [7] ویلیام چیمبرز گاتری، ۱۳۷۶. تاریخ فلسفه یونان، ترجمه فتحی، حسن، جلد ۱۲، چاپ اول، تهران، نشر فکر روز.
- [8] رضا محمدی چابکی، مهدی سبحانی‌نژاد، نجمه احمدآبادی‌آرانی، زهره عسگری، ۱۳۹۷. تبیین مبانی فلسفی روش تدریس سقراطی؛ راهبردی در بهبود فرایند یاددهی - یادگیری مدارس، نشریه علمی پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره ۱۵، شماره ۲، ۸۸-۹۷.
- [9] لیندا الدر، لیچارد پل، ۱۳۹۷. آشنایی با هنر پرسشگری سقراطی-بر اساس مفاهیم و ابزارهای تفکر انتقادی، ترجمه یزدانی، پیام، تهران، نشر اختران.
- [10] مهین چناری، ۱۳۸۷. روش سقراطی به منزله راهبردی برای تربیت شهروندی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۲۷، ۱۳۸ و ۱۴۶.
- [11] سید رضا شاکری، ۱۳۸۳. روش سقراطی، نامه فرهنگ، شماره ۵۲، ۹۴ و ۹۵.
- [12] فرزانه شهرتاش، فاطمه فلسفی، ژاله رهبر، سهیلا حاجیان، ۱۳۸۷. مبانی نظری و مهارت‌های آموزش علوم، چاپ ۳، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- [13] ریچارد پاول، ۱۳۹۰. پرسشگری سقراطی و پرورش تفکر نقاد، ترجمه ابراهیمی لویه، نسرين، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۸، ۳۴-۳۷.
- [14] محمد آرمنده، ۱۳۷۲. روش‌های تدریس فعال، نشریه رشد معلم، شماره ۹۵، ۲۰.
- [15] Vlastos, G. 1971. (Ed). The Philosophy of Socrates, Notre Dame: University of Notre Dame Press, 19-20.